

معرفی و کاربرست روش کیفی «تحلیل گفتمان» در مطالعه «رشدیافتگی نوجوان» از دیدگاه قرآن

محمد کاویانی^۱

سید محمد افتخاری^۲



چکیده

هدف پژوهش حاضر، «معرفی و کاربرست روش تحلیل گفتمان در یک پژوهش قرآنی» بوده است. در این راستا، سؤال اصلی، «نحوه استفاده از روش تحلیل گفتمان در پژوهش‌های قرآنی» می‌باشد. در پاسخ ابتدا، روش «تحلیل گفتمان» با استناد به منابع «روش‌های پژوهش کیفی»، به ویژه منابع مربوط به «تحلیل گفتمان» تبیین گردید. در ادامه، بر اساس ویژگی‌های این روش و با بهره‌گیری از نرم‌افزار تحلیل کیفی اطلس تی‌آی، کل آیات قرآن مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت و کدگذاری اولیه و ثانویه، شبکه‌سازی و استخراج شاخص‌ها انجام شد. کدگذاری‌ها متناسب با واحدهای تحلیل یعنی «کلمات»، «جملات» و «کل قرآن» در موضوع «رشدیافتگی نوجوان» صورت پذیرفت و یافته‌های «تحلیل گفتمان در قرآن پژوهی» نیز مورد توجه قرار گرفت. بعضی از دستاوردهای این پژوهش عبارت است از: ۱. روش «تحلیل گفتمان» با ملاحظاتی، در قرآن پژوهی کاربرد دارد؛ ۲. اکثر مفروضه‌های روش «تحلیل گفتمان»، در قرآن پژوهی قابل بهره‌گیری می‌باشد؛ ۳. حداقل یازده شاخص برای «رشد نوجوان از دیدگاه قرآن» تعریف پذیر است؛ ۴. برای هر شاخص، می‌توان اجزاء و مؤلفه‌هایی شناسایی و بیان نمود.

واژگان کلیدی: روان‌شناسی قرآن‌بنیان، رشد نوجوان، رشد متعالی، خانواده، بلوغ، تحلیل گفتمان، قرآن پژوهی.

۱. دانشیار گروه روان‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه @rihu.ac.ir/kavyani.m.

۲. دانشجوی دکتری قرآن و روان‌شناسی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه @smeqsm@gmail.com.

مقدمه

دوره حساس نوجوانی و جوانی، از دیدگاه قرآن و روایات اسلامی و بعضی از علوم انسانی مثل روان‌شناسی، یکی از دوره‌های مهم زندگی است. خداوند حکیم، در آیات متعددی با تعبیری چون «فتی»، «غلام» و «بلغ اشده» و... از این دوره یاد کرده است. به عنوان مثال، در مورد حضرت یوسف علیه السلام می‌فرماید: «گروهی از زنان شهر گفتند: «همسر عزیز، جوانش [غلامش] را به سوی خود دعوت می‌کند! عشق این جوان، در اعماق قلبش نفوذ کرده، ما او را در گمراهی آشکاری می‌بینیم؛ وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَةٌ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (یوسف، ۳۰). در مورد اصحاب کهف نیز می‌فرماید: «زمانی را به خاطر بیاور که آن جوانان به غار پناه بردند و گفتند: «پروردگارا! ما را از سوی خودت رحمتی عطا کن و راه نجاتی برای ما فراهم ساز؛ إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا» (کهف، ۱۰). خالق متعال در آیه دیگری با اشاره به مراحل مختلف رشد انسان از جمله نوجوانی و جوانی، می‌فرماید: «خدا آن کسی است که شما را در ابتدا از جسم ضعیف (نطفه) بیآفرید، آن‌گاه پس از ضعف و ناتوانی (کودکی) توانا کرد (نوجوانی و جوانی) و باز از توانایی، به ضعف و سستی و پیری برگردانید. «او هرچه بخواهد و مشیتش تعلق گیرد می‌آفریند و او دانا و تواناست؛ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ» (روم، ۵۴). امام صادق علیه السلام به یکی از یاران‌شان فرمودند: «بر تو باد توجه به نوجوانان، زیرا آنان به هر کار خیر از دیگران پیش‌تازند؛ عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَأَيُّهُمْ أَشْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ» (کلینی، ۱۳۸۲، ج ۸، ص ۹۳).

در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز نوجوانان و جوانان نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. در بخش‌هایی از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، جوانان و نوجوانان مورد خطاب قرار گرفته‌اند. حدود ۳۶ میلیون نفر از جمعیت ۸۴ میلیون نفری کشورمان، نوجوانان و جوانان بین ۱۵ تا ۴۰ ساله هستند. نوجوانی، دوران جهت‌گیری و هویت‌یابی (اعم از هویت اجتماعی، تحصیلی، شغلی، اخلاقی، اعتقادی و...) محسوب می‌شود و یکی از دوره‌های هشت‌گانه رشد اجتماعی از دیدگاه «اریک اریکسون» (Erik Erikson) روان‌شناس آمریکایی آلمانی الاصل قرن بیستم (زاده ۱۵ ژوئن ۱۹۰۲ در فرانکفورت آلمان - درگذشت ۱۲ مه ۱۹۹۴ در ماساچوست آمریکا) است. اریکسون، این دوره را دوره «بحران هویت» نامیده است. اگر دوران کودکی، به لحاظ تربیتی و شکل‌دهی شخصیت و اعتماد به نفس، به صورت غنی و پرمحتوای شده باشد، فرد در نوجوانی، به سلامت و به سرعت از بحران هویت عبور کرده و با شناخت هویت واقعی خود، بر اساس آن وارد ابعاد مختلف زندگی می‌شود. «بحران هویت» و کیفیت عبور از آن، به



نوعی بیان‌کننده زوایایی از «رشدیافتگی نوجوان از دیدگاه قرآن» نیز هست. از آیات قرآن و روایات، می‌توان ملاک‌ها، ارزش‌ها و شاخص‌هایی در رابطه با رشدیافتگی نوجوان و جوان را استخراج کرد. این پژوهش درصدد است تا گامی در زمینه استخراج و معرفی شاخص‌های قرآنی رشدیافتگی در مقطع نوجوانی بردارد تا از این طریق، چشم‌اندازی برای والدین، مربیان و سیاست‌گذاران فرهنگی کشور ترسیم شود و به تدریج زندگی آحاد جامعه ما به «سبک زندگی اسلامی» نزدیک‌تر گردد.

ابعاد رشد انسان در روان‌شناسی معاصر بسیار متعدد است. اگر تنوع مباحث قرآنی در این موضوع را نیز مورد توجه قرار دهیم، این ابعاد، متعددتر و متنوع‌تر نیز می‌شود. بنابراین، بررسی شاخص‌های رشد نوجوان از دیدگاه قرآن، از پیچیدگی‌ها و ابعاد متنوع‌تری برخوردار خواهد بود. بر این اساس، برای دسته‌بندی و شکل‌دهی ظاهری محتواها، از روش «تحلیل گفتمان» و از نرم‌افزار تحلیل کیفی اطلس تی‌آی، جهت کدگذاری اولیه و ثانویه، شبکه‌سازی و استخراج شاخص‌ها بهره‌گرفته شده است.

برای استفاده از این روش و نرم‌افزار، ابتدا واژگان مربوط به نوجوان در لغت‌نامه‌های مربوط به قرآن عرب بررسی شد، سپس براساس آن معنای واژگانی، آیات مربوطه شناسایی و مورد مطالعه و کدگذاری قرار گرفت. ثعالبی (۴۲۹-۳۵۰ ق، از ادیبان قرن چهارم و پنجم) در کتاب *فقه اللغة*، مراحل مختلف رشد انسان را به ترتیب چنین می‌نامد: رضیع، طفل، فطیم، دارج، حفر، یافع، شرخ، طَبَّخٌ، و کوکب؛ «عن أبي عمرو، عن أبي العباس ثعلب، عن ابن الأعرابي يُقال للصبي إذا وُلِدَ: رَضِيعٌ، و طِفْلٌ؛ ثم فطيمٌ؛ ثم دارجٌ؛ ثم حفرٌ؛ ثم يافعٌ؛ ثم شرخٌ؛ ثم مطبخٌ، ثم كوكبٌ» او در ادامه به نقل از علمای لغت، با فصل‌بندی، مراحل رشد را به شرح زیر معرفی می‌کند:

۱. پیش از تولد: جنین؛ ۲. پس از تولد: ولید؛ ۳. شیرخوارگی: رضیع؛ ۴. از شیر گرفته شده: فطیم؛ ۵. با دست و پا راه می‌رود: دارج؛ ۶. به پنج‌وجه رسیده: خماسی؛ ۷. دندان‌هایش افتاده: مٹغور؛ ۸. دندان‌هایش روییده: مٹغر؛ ۹. بالاتر از ده‌سالگی: مترعرع (جنبنده و بالنده) و ناشئ؛ ۱۰. نزدیک احتلام یا رسیدن به این سن: یافع و مراهق؛ ۱۱. پس از احتلام و پرومندی: حرور (و در همه این حالات به وی «غلام» گفته می‌شود)؛ ۱۲. سبزه‌های سبیلش روییده: قد بقل و جهه؛ ۱۳. هنگامی که چهره‌اش طراوت یافته: فتی و شارخ؛ ۱۴. به نهایت جوانی رسیده: مجتمع؛ ۱۵. مابین سی و چهل‌سالگی: شاب؛ ۱۶. از چهل تا شصت‌ساله: کهل؛ ۱۷. از شصت سال به بعد، شیخ.



واژه غلام در قرآن

در ماده «غلم» مفردات الفاظ قرآن آمده است: «الْغُلَامُ الطَّارِ الشَّارِبُ». يقال: غُلَامٌ بَيْنَ الْغُلُومَةِ وَالْغُلُومِيَّةِ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۱۳) پسری که صورتش، تازه موی و سبیل برآورده. طبق نظر بعضی، واژه «غلام» به هر کودک قبل از سن جوانی گفته می‌شود و عده‌ای نیز آن را به کودک بالای ده سال قبل از سن بلوغ اطلاق کرده‌اند. از تعبیرات مختلف در لغت عرب، می‌توان استفاده کرد که «غلام» حد فاصل میان «طفل» (کودک) و «شباب» (جوان) است که در زبان فارسی از آن تعبیر به «نوجوان» می‌کنیم (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۱۹، ص ۱۱۱).

واژه بُنّی در قرآن

اصل واژه «ابنّ»، بنو، جمعش اَبْنَاءُ و تصغیرش بُنّی است. نامیدن فرزند به «ابن» از این جهت است که پدرش او را ساخته و خداوند پدر را برای فرزند در حکم بَنَاء و سازنده قرار داده است (راغب، ۱۴۱۲، ص ۱۴۷).

آیه ۱۰۲ صافات، از قول حضرت ابراهیم علیه السلام، اسماعیل علیه السلام نوجوان را با واژه «بُنّی» مورد خطاب قرار می‌دهد؛ «فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنّی اِنِّي اَرَى فِي الْمَنَامِ اَنِّي اُدْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا اَبْتِ اَفْعَلْ مَا تُؤْمُرُ سَتَجِدُنِي اِنْ شَاءَ اللهُ مِنَ الصَّابِرِينَ». حرف «فا» در اول آیه، فای فصیحه است که می‌فهماند چیزی در این جا حذف شده و تقدیر کلام این است که: «فَلَمَّا وُلِدَ لَهُ وَ نَشَأَ وَ بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ - همین که خدای تعالی پسری به او داد و آن پسر نشو و نمو کرد و به حد سعی و کوشش رسید». منظور از «حد سعی و کوشش»، رسیدن به اندازه‌ای از عمر است که آدمی طبیعتاً می‌تواند برای برطرف کردن نیازهای زندگی خود کوشش کند و این همان سن بلوغ است. بنابراین، معنای آیه این است: وقتی آن فرزند به حد بلوغ رسید، ابراهیم علیه السلام به او گفت: ای پسر... (طباطبایی، ۱۴۰۲، ج ۱۷، ص ۲۳۰). به‌هرحال به گفته جمعی از مفسران، در آن وقت که ابراهیم علیه السلام خواب عجیب و شگفت‌انگیزی دید، فرزندش ۱۳ ساله بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۹، ص ۱۱۱). جناب لقمان نیز فرزند نوجوانش را با واژه «بُنّی» یاد می‌کند؛ «وَ اِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنّی لَا تُشْرِكْ بِاللّٰهِ اِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان، ۱۳). یوسف علیه السلام هم در نه سالگی خواب دید و برای پدرش نقل کرد؛ «قَالَ يَا بُنّی لَا تَقْصُصْ رُءْيَاكَ عَلٰى اِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوْا لَكَ كَيْدًا اِنَّ الشَّيْطٰنَ لِلْاِنْسٰنِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (یوسف، ۵). البته طبق برخی روایات، ایشان در آن زمان هفت ساله و بر اساس نقل تورات شانزده ساله بود، ولی بعید است (طباطبایی، ج ۱۱، ص ۱۱۵).



ماده بَلَّغَ در قرآن

معنای البُلُوغُ والبَلَاحُ، رسیدن به انتهای هدف و مقصد است. گاهی نیز به معنی تسلط یافتن و اشراف داشتن بر چیزی، به کار می‌رود. این واژه در ترکیب‌های «بَلَّغَ أَشَدَّهُ»، «بَلَّغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً»، «بَلَّغَ الصَّبِيَّ (بُلُوغًا)»، «(بَلَّغَ) الحُلُم» و... به کار رفته است (الفیومی، ۱۴۲۵، ص ۳۶).

خداوند می‌فرماید: «و یتیمان را بی‌آزمایید تا وقتی به [سن] زناشویی برسند؛ پس اگر در ایشان رشد [فکری] یافتید، اموال‌شان را به آنان رد کنید...؛ وَابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ» (نساء، ۶). کلمه «ابتلا» مصدر فعل امر «ابتلوا» و به معنای امتحان می‌باشد؛ مراد از «بلوغ نكاح» نیز، رسیدن فرد به سن ازدواج است. واژه «رشد» به معنای پختگی و رسیده شدن میوه عقل است، به خلاف «غی» که معنای سرگشتگی و گمراهی دارد. بنابراین، جمله «حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ...» متعلق به جمله: «وَابْتَلُوا...» و به این معنی است که یتیم نادان را (از زمان تمیز دادن) بی‌آزمایید تا به سن ازدواج برسد؛ آن‌گاه اگر دیدید که رشد عقلی یافته است، اموال او را به دست خودش بدهید.

واژه فَتَى در قرآن

«الْفَتَى الطَّرِيُّ مِنَ الشَّبَابِ، وَالْأُنْثَى فَتَاةٌ، وَالْمَصْدَرُ فَتَاءٌ، وَبِكُنْيَ بَهِمَا عَنِ الْعَبْدِ وَالْأُمَّةِ. قَالَ تَعَالَى: تَرَاوَدُّ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ. «فَتَى» به معنای نوجوانی و طراوت جوانی است؛ مونث آن «فَتَاة» و مصدرش «فَتَاء» است که به کنایه، به برده زن و مرد گفته می‌شود» (راغب ۱۴۱۲، ص ۶۲۵). در قاموس قرآن، فتی را به تازه جوان معنا کرده است (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۱۵۱). قرآن درباره حضرت ابراهیم علیه السلام می‌فرماید: «(گروهی) گفتند: شنیدیم نوجوانی از (مخالفت با) بت‌ها سخن می‌گفت که او را ابراهیم می‌گویند؛ قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ» (انبیاء، ۶۰). طبق بعضی از روایات، ابراهیم علیه السلام در آن موقع کاملاً جوان بود و احتمالاً سنش از ۱۶ سال تجاوز نمی‌کرد... (مکارم شیرازی، ج ۱۳، ص ۴۳۶). در مورد دیگری واژه «فتی» درباره یوسف علیه السلام در خانه زلیخا به کار رفته است. «زنان مصر در شهر شایع کردند و گفتند: همسر عزیز مصر، خاطرخواه غلام جوانش شده و عشق غلام او را سخت فریفته و ما او را در گمراهی آشکار می‌بینیم» («وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ») (یوسف، ۳۰).

روش «تحلیل گفتمان»

تحلیل گفتمان (Discourse Analysis) مبحثی میان‌رشته‌ای و بسیار گسترده است که بخش عمده

مباحث آن از زبان‌شناسی است، ولی در بسیاری از رشته‌های مختلف علوم انسانی ریشه داشته و علاوه بر زبان‌شناسی، در حوزه‌های مختلفی چون: روان‌شناسی، علوم اجتماعی، علوم سیاسی، تحلیل ادبی، مطالعات رسانه‌ها، تحلیل متون علمی و نظایر آن کاربرد دارد (سلطانی، علی‌اصغر، ۳۸۴، الف). رویکرد نوین و توسعه‌یافته آن، یعنی تحلیل گفتمان انتقادی، طی دهه‌های اخیر در رشته‌هایی مانند ادبیات، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه و علوم سیاسی کاربرد یافته است (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۶). «تحلیل گفتمان»، به «سخن‌کاوی»، «تحلیل کلام» و «تحلیل گفتار» نیز ترجمه و دو تعبیر از آن می‌شود؛ یکی در قالب زبان و کلام و دیگری در قالب فرازبان که به مسایل زمینه‌ای مثل فرهنگ، سیاست، اجتماع و... می‌پردازد (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۹).

در تحلیل گفتمان، توجه ویژه‌ای به شناخت معنای کانونی و بنیادی متن شده و سعی می‌گردد تا متن و زمینه در ارتباط تنگاتنگ باهم دیده و از نگاه «جزء‌نگر» به «کل‌نگر» منتقل شوند. در تحلیل گفتمان، به نکاتی مثل «کلمات و اصطلاحات خاص»، «جهان‌بینی و مبانی نظری دیدگاه‌ها»، «قدرت، سیاست، هویت، ...» و «اندیشه و آراء متفکران در هر حوزه از منظر گفتمانی» توجه می‌شود (کلانتری، ۱۳۸۸، ص ۶۵).

تحلیل گفتمان، روش پیچیده و گسترده‌ای است که رویکردهای متفاوتی در درون خود دارد (Worham، ۲۰۰۷). «گفتمان» را شکلی از کاربرد زبان، مثلاً در یک سخنرانی یا حتی شیوه سخن گفتن می‌دانند و به جنبه‌هایی از زبان می‌پردازد که تنها می‌توان آن‌ها را با توجه به «متکلم» و «موقعیت زمانی و مکانی» یا متغیرهای دیگر بیان نمود (میرفخرائی، ۱۳۸۳، ۷-۸). این روش می‌کوشد، نظام و آرایش متنی عناصر زبانی را مطالعه کند؛ بنابراین، واحد زبانی‌اش بالاتر از «جمله» است. متن را بایستی به عنوان یک «کُل» معنی‌دار نگرست، به‌گونه‌ای که الزاماً، آن معنی در خود متن نیست. متن‌ها، بار ایدئولوژیک دارند. علاوه بر صرف و نحو که به معناداری کلمه و جمله دلالت می‌کند، دال‌های دیگری مثل «رمز»ها، «بافت»ها، «زمان» و... هم وجود دارند که معناداری کُل متن را معلوم می‌سازند (کلانتری، صمد و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۶).

تحلیل گفتمان، روشی برای دریافت معنای نهفته در داده‌ها و تحلیل آن‌ها است. در این روش، به جای مشاهده مستقیم داده‌ها و کنش‌های افراد، «معنا» مورد استفاده قرار می‌گیرد و به جای استفاده از پرسش‌نامه و مصاحبه و سایر ابزار جمع‌آوری اطلاعات، گفتار، نوشتار و پیام‌های مورد تعامل، دسته‌بندی می‌شوند و مورد توجه، تفسیر و تحلیل قرار می‌گیرند (لطفی حقیقت، ۱۳۸۹). این روش در دهه‌های اخیر در پژوهش‌های روان‌شناختی، به ویژه روان‌شناسی اجتماعی هم وارد شده



است (عابدینی، ۱۳۸۳). در واقع، در مخالفت با روان‌شناسی اجتماعی آزمایشی، بسط و گسترش یافته است (مک لئود، ۲۰۰۱) جاتان پاتر و دورلز از سال ۱۹۸۷ تلاش نمودند تا در کتاب خود «گفتمان و روان‌شناسی اجتماعی: فراتر از نگرش‌ها و رفتار» به معرفی و تبیین مقوله تحلیل گفتمان به عنوان روشی راهبردی و کارآمد در عرصه مطالعات رفتاری بپردازند.

این روش، برای مواجهه و حل مسئله‌ای پژوهشی از طریق بازساخت دهی متن، اقدام می‌کند. هر نوشتار یا گفتاری، جهت‌دار است و این روش، به‌ویژه در رویکرد انتقادی‌اش، تلاش می‌کند تا جهت‌داری‌ها و اندیشه‌های پنهان در پس نوشتارها و گفتارها را معلوم سازد (سلطانی، ۱۳۸۴). این روش در طول زمان، سه‌گرایش «ساخت‌گرا»، «نقش‌گرا» و «انتقادی» را به خود دیده است. در گرایش انتقادی، سه رویکرد مهم «اجتماعی-شناختی»، «کردار اجتماعی» منسوب به فرکلاف، و «جامعه‌شناسی-زبان»، منسوب به روث و داک وجود دارد.

الف. رویکرد ساخت‌گرا، بر اندیشه‌های ساخت‌گرایی «فردیناند دو سوسور» (Ferdinand de Saussure)، زاده ۲۶ نوامبر ۱۸۵۷ - درگذشته ۲۲ فوریه ۱۹۱۳، زبان‌شناس و نشانه‌شناس سوئیسی) بنا شده است. در این رویکرد، دیدگاه مارکس که معتقد است «جامعه از دو لایه تشکیل شده و در لایه زیرین، مبتنی بر روابط اقتصادی نهفته است» و نیز نظریه فروید که می‌گوید «در پس رفتارهای ما یک لایه جنسی نهفته است»، از مصادیق ساخت‌گرایی معرفی و گفته می‌شود که اگرچه در دستور سنتی، تحلیل متن بر پایه کلمات (علم صرف) و جمله (علم نحو) بررسی می‌شد و در واقع، بزرگ‌ترین سطح تحلیل جمله بود، اما در تحلیل گفتمان ساختاری، واحد تحلیل، «متن به عنوان یک کل» است. ب. در رویکرد «نقش‌گرا»، برای تحلیل متن، علاوه بر «متن به عنوان یک کل»، باید کاربرد زبان در ارتباطات روزمره (language use) و بافت (context) نیز وارد تحلیل شود. این تحلیل ارتباط زیادی با شاخه‌ای از زبان‌شناسی کاربردی دارد.

ج. رویکرد «انتقادی» در دهه ۷۰ پدید آمد. در سال ۱۹۷۹ کتابی با عنوان «زبان و کنترل» تألیف شد و مبنای مباحث تحلیل گفتمان انتقادی را شکل داد. در این گرایش، علاوه بر موارد فوق، باید رابطه زبان با قدرت و زبان حاکمیت نیز ملاحظه شود. آلستر پنی‌کوک («Alastair Pennycook»؛ زبان‌شناس انگلیسی و عضو آکادمی علوم انسانی استرالیا)، رویکرد نقش‌گرا را گرایشی تنگ‌نظرانه می‌داند که بر رابطه بین صورت‌های زبانی و بافت، محدود شده است.

پژوهش حاضر، بر اساس تحلیل گفتمان ساخت‌گرا، شکل گرفته و بر متن نوشتار تأکید دارد. از آن‌جا که متن مورد مطالعه در این پژوهش، کتاب آسمانی «قرآن» بوده و با متن‌های بشری

متفاوت است، وجوه مثبتِ رویکردهای «نقش‌گرا» و «انتقادی» را در خود دارد و از نقاط ضعف آن‌ها مبراً است. بنابراین، آن‌چه که دو رویکرد نقش‌گرا و انتقادی، مورد توجه قرار می‌دهند، نسبت به گوینده متن قرآن و دال‌های متنی آن، مورد نیاز نیست، اما نسبت به مخاطب قرآن و خواننده این متن، باید مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر، خواننده متن قرآن در هر زمان، مکان، موقعیت و جو اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اعتقادی و... ممکن است سؤال متفاوتی را از قرآن داشته باشد. پیشینه تحلیل متن قرآن کریم، به سال‌های صدر اسلام برمی‌گردد. در زمان نزول قرآن، اعراب، که خود سرآمد شعر و سخنوری بودند، کلام دلنشین و درآمیخته با مفاهیم حیات‌بخش قرآن را در اسلوب ظاهری و آرایش کلامی ممتاز دانستند و از آن شگفت‌زده شدند (روبینز، ۱۳۷۳). پژوهش‌های زیادی در شاخه‌های آواشناسی، نحو، معنی‌شناسی و به‌ویژه تحلیل کلام قرآن انجام شده است. این پژوهش، در پی تحلیل «رشدیافتگی نوجوان در آیات قرآن» و به دست آوردن شاخص‌های آن، از طریق تحلیل گفتمان ساختاری بوده و سؤال اصلی آن، این است که «گفتمان رشدیافتگی نوجوان در قرآن کریم» چگونه تحلیل می‌شود؟

تحلیل‌گر این گفتمان، بر آن است که متن خوان را به متن و عوامل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دخیل در تولید آن حساس کند و ایدئولوژی موجود در متن را از حالت «طبیعی‌شدگی» بیرون آورد تا معنایی کامل‌تر و جامع‌تر از متن را به دست آورد.

یکی از اهداف عمده تحلیل گفتمان، تشریح فهم‌های «بدیهی‌انگاشته» و تبدیل آن‌ها به موضوع بحث و نقد و سرانجام، آماده کردن آن‌ها برای تغییر است. «نورمن فرکلاف» (Norman Fairclough)، زبان‌شناس و پژوهشگر بریتانیایی و از بنیان‌گذاران تحلیل گفتمان انتقادی، در این باره می‌گوید: اختیار کردن اهداف انتقادی، به معنای این است که در جهت روشن کردن این‌گونه «طبیعی‌شدگی‌ها» بکوشیم و به بیان کلی‌تر، به این معنی است که تعیین‌ها و تأثیرات اجتماعی گفتمان را که ماهیتاً از دید مشارکین آن مخفی می‌مانند، آشکار سازیم (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۲۷).

روش‌شناسی پژوهش

اگرچه پژوهش‌های گفتمانی به میزان قابل ملاحظه‌ای در ایران انجام شده، اما تحلیل‌های گفتمانی در قرآن پژوهی بسیار اندک است. پیمانی (۱۸۸۹) به بررسی مقاصد ضمنی و ثانوی مکالمات قرآنی پرداخته و نشان داد که بلاغت اسلامی نسبت به رویکردهای نوین زبان‌شناسی جامع‌تر است، ولی نظریه‌های جدید، واضح‌تر و منسجم‌تر بیان شده‌اند.



در این پژوهش، از شیوه تحلیل محتوا برای تحلیل گفتمان ساختاری در موضوع «شاخص‌های رشدیافتگی نوجوان از دیدگاه قرآن» استفاده شد. این پژوهش، اصطلاحاً «پیکره‌بنیاد» است و پیکره مورد بررسی اش، «قرآن کریم» می‌باشد. کل آیات قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفت و آیات شریفه‌ای که با «رشد» و «رشدیافتگی» مرتبط بودند، توسط محقق استخراج شده و مورد تحلیل قرار گرفته است. در این پژوهش از شیوه تحلیل گفتمان با رویکرد ساختاری برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

تحلیل گفتمان، که ریشه در تلاش‌های معناکاوانه دارد، در این قرآن پژوهی با رویکردی تلفیقی و بین رشته‌ای (قرآنی - روان‌شناختی) انجام شده است. گفتمان‌کاوان در این پژوهش سعی کرده‌اند تا معلوم سازند که گوینده آیات قرآن (خداوند متعال)، چه سخنی، چگونه، چرا و در چه موقعیت زمانی و مکانی (شان نزول) درباره «رشدیافتگی نوجوان» فرموده است. پژوهش‌گر، آیات مورد مطالعه را در واحدهای گفتمانی «کلمه» و «جمله» کدگذاری نموده و با توجه به دال‌های مربوطه و موجود در کلمه و جمله، به تحلیل گفتمان «کل قرآن» در موضوع مورد مطالعه، دست یافته است.

روش تحلیل گفتمان، دانسته‌هایی دارد که بعضی از آن‌ها در قرآن پژوهی نیز قابل توجه بوده و در این پژوهش رعایت شده است. به عنوان مثال: ۱. متن قرآن به عنوان یک کل ملاحظه شده است؛ ۲. برداشت از متن، با توجه به جایگاه خداوند (گوینده) و بعضی از ویژگی‌های خالق متعال (دال‌های مربوط به گوینده که رابطه «عبد و مولا»، «خالق و مخلوق» و ... را نشان می‌دهد)، انجام شده است؛ ۳. این پژوهش‌گر، مدعی نیست که نظر قطعی قرآن را کشف کرده، بلکه برداشت افراد مختلف از قرآن، ممکن است متفاوت باشد؛ اما این تفاوت در چارچوب‌های خاص خود تعریف می‌شود تا به سوی نسبت معنا نرود؛ ۴. معنای کامل یک متن، در میان نوشته‌های آن نهفته است. بنابراین، به همان مقدار که محقق، توانسته است آیات کامل‌تری در باب «رشد نوجوانی» را مورد تحلیل قرار دهد، دستاوردهای او کامل‌تر خواهد بود؛ ۵. گفتمان دارای یک سطح و یک بُعد نیست، بلکه ممکن است ابعاد و سطوح مختلف داشته باشد؛ بنابراین هر قدر که محقق در مطالعه متن و کدگذاری‌های آیات قرآن، از سطح فراتر رفته و به عمق توجه کرده باشد، دستاوردهایش نیز عمیق‌تر و دقیق‌تر خواهد بود؛ ۶. هیچ متنی بی‌طرف و فاقد جهت‌گیری نیست؛ متن قرآن نیز همواره تحت تأثیر عموماً و اطلاقات و جهت‌گیری‌های آن‌ها قرار دارد و محقق، همواره به این جهت‌گیری‌ها توجه داشته و بر اساس آن‌ها تصمیم گرفته

و کدگذاری هایش را انجام داده است؛ ۷. هر متن به یک منبع قدرت و اقتدار مرتبط است؛ البته الزاماً این قدرت، سیاسی نیست، بلکه ممکن است از نوع قدرت خداوند در نظر بنده خدا باشد؛ ۸. هر متن در موقعیت و شرایط ویژه‌ای تولید می‌شود؛ لذا همیشه رنگ پدیدآورنده خود را دارد. قرآن نیز همیشه رنگ خدا را در خودش دارد (رک. بهرام‌پور، ۱۳۷۸).

مراحل اجرای تحلیل گفتمان عبارت‌اند از: ۱. طرح مسئله؛ ۲. تبیین موضوع تحقیق؛ ۳. فرضیه‌سازی؛ ۴. تعریف مفاهیم؛ ۵. ارائه چارچوب نظری؛ ۶. نمونه‌گیری؛ ۷. واحد تحلیل؛ ۸. طبقه‌بندی اطلاعات جمع‌آوری شده؛ ۹. تحلیل متون و اطلاعات (لطفی حقیقت، ۱۳۸۹). این مراحل در پژوهش حاضر نیز مورد توجه بوده است.

یافته‌های پژوهش

پس از استخراج بیش از ۱۰۰ کد از آیات قرآن کریم در مورد مقطع رشدی نوجوان، کدهای استخراج شده در قالب یازده عنوان کلی دسته‌بندی گردید که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد.

شاخص‌های رشد معنوی

این شاخص‌ها تأمین‌کننده معنویت در مقطع رشدی نوجوان می‌باشند. اولین شاخص معنوی، «عشق به خداوند» است که در آیات ۷۸ تا ۸۲ سوره مبارکه شعرا از زبان حضرت ابراهیم علیه السلام به آن اشاره شده است. سیاق آیات به گفت‌وگوی ابراهیم علیه السلام با قومش برمی‌گردد که مربوط به دوره نوجوانی آن حضرت می‌باشد:

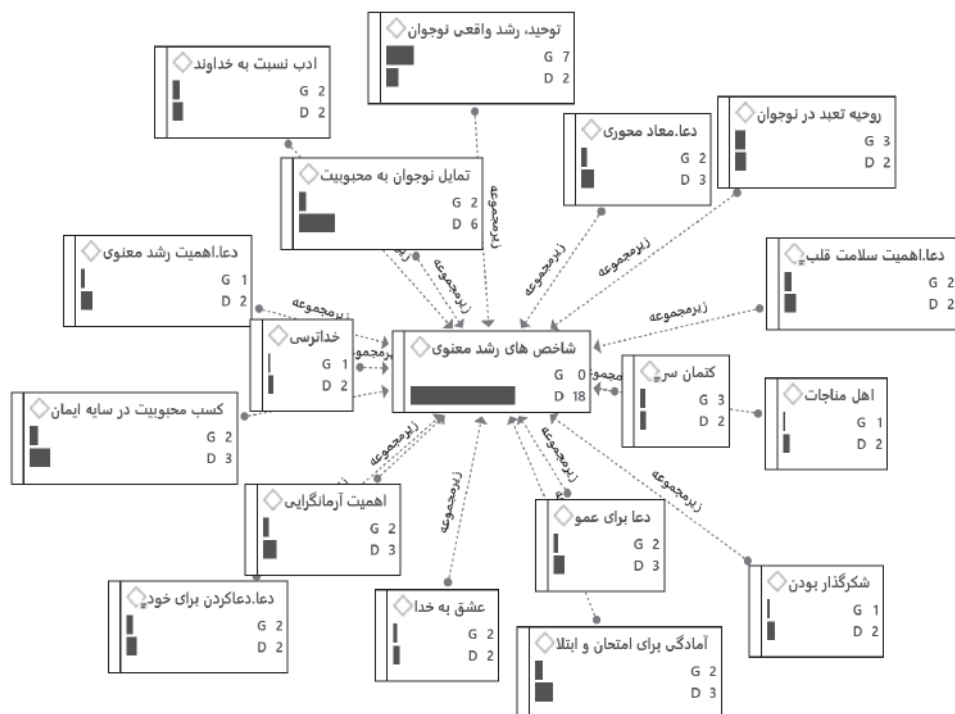
«همان کسی که مرا آفرید و پیوسته راهنمایی‌ام می‌کند و کسی که مرا غذا می‌دهد و سیراب می‌نماید و هنگامی که بیمار شوم مرا شفا می‌دهد و کسی که مرا می‌میراند و سپس زنده می‌کند و کسی که امید دارم گناهم را در روز جزا ببخشد؛ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ (۷۸) وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ (۷۹) وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ (۸۰) وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ (۸۱) وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ» (شعراء، ۸۲).

هم‌چنین از این آیات، «شکرگزار بودن» و «روحیه توحیدی» ایشان نیز مشخص است. از گفت‌وگوی ابراهیم علیه السلام با آزر (عموی آن حضرت) این پیام قابل دریافت است که رشد واقعی مورد اشاره در آیات ۵۱ و ۵۲ سوره انبیاء، در «روحیه توحیدی» نوجوان نهفته است:

«ما وسیله رشد ابراهیم را از قبل به او دادیم و از (شایستگی) او آگاه بودیم آن هنگام که به پدرش

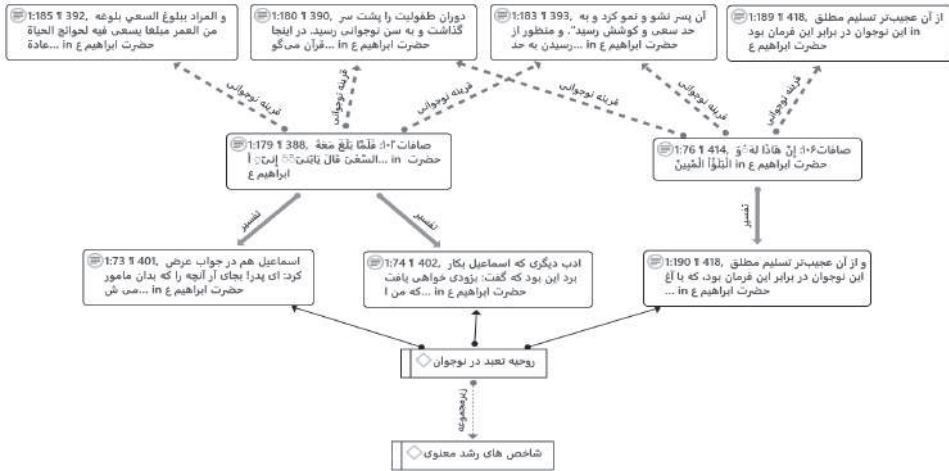


(عمویش آزر) و قوم او گفت: این مجسمه‌های بی‌روح چیست که شما همواره آن‌ها را پرستش می‌کنید؟ وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِن قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَلِيمِينَ (۵۱) إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ» (انبیاء، ۵۲).



نمودار ۱: کدهای اولیه تشکیل دهنده مقوله «رشد معنوی» در قرآن

در سایه نگاه توحیدی، «داشتن روحیه تعبد در نوجوان» از آیه ۱۰۲ سوره مبارکه صافات به خوبی استفاده می‌شود: هنگامی که با او به مقام سعی و کوشش رسید، گفت: «پسرم! من در خواب دیدم که تو را ذبح می‌کنم، نظر تو چیست؟» گفت «پدرم! هرچه دستور داری اجرا کن، به خواست خداوند، مرا از صابران خواهی یافت؛ فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ» (صافات، ۱۰۲).



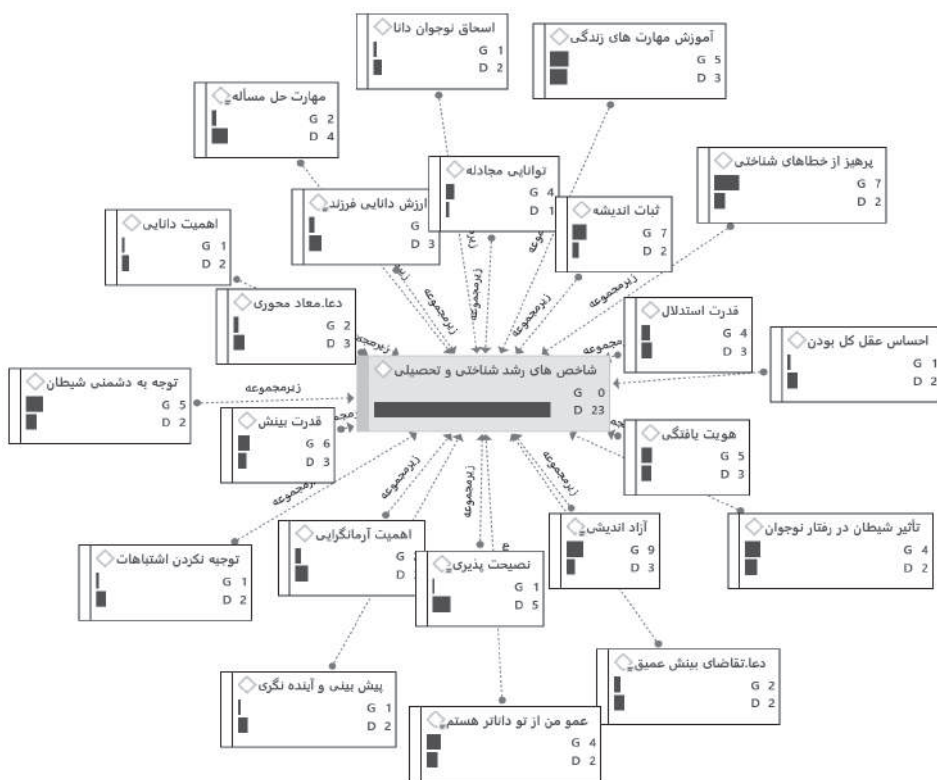
نمودار ۲: نمونه بسط روابط میان گزاره‌های تفسیری تشکیل دهنده

کد اولیه «روحیه تبعید در نوجوان» در قرآن

شاخص‌های رشد شناختی و تحصیلی

موضوعاتی که معمولاً در رشد جسمانی، اخلاقی، شناختی، عاطفی، اجتماعی و... مورد بحث قرار می‌گیرند، مربوط به زندگی دنیا هستند، اما در رهیافت قرآنی، انسان موجودی دوساحتی و دارای خلقتی هدف مند و آخرت محور است، به طوری که باورها و سبک زندگی، در روان شناسی او نیز اثر دارد (کاوینی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۶). در سیاق آیات ۲۴ تا ۲۸ سوره ذاریات که مربوط به ورود رسولان الهی بر حضرت ابراهیم علیه السلام می‌باشد، بشارت تولد فرزندی دانا، به آن حضرت داده شده است «وَبَشِّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ» (ذاریات، ۲۸). بشارتی که حکایت از «ارزش دانایی فرزند» دارد. این شاخص‌ها در زمینه یادگیری و رشد شناختی و اعتقادی، مسیر فکری نوجوان را در این مقطع رشدی ترسیم می‌کنند.

از دعای حضرت ابراهیم علیه السلام در آیات ۸۷، ۸۸ و ۸۹ سوره شعراء، اهمیت بحث «معاد محوری» مشخص می‌شود. سیاق آیات قبل (۶۹ تا ۸۶ سوره شعراء) نشان می‌دهد که این دعا در سنین نوجوانی برای حضرت ابراهیم علیه السلام به صورت یک مسأله مهم مطرح بوده است: «و در آن روز که مردم برانگیخته می‌شوند، مرا شرمنده و رسوا مکن! در آن روز که مال و فرزندان سودی نمی‌بخشد، مگر کسی که با قلب سلیم به پیشگاه خدا آید؛ وَلَا تَخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ (۸۷) يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ (۸۸) إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» (شعراء، ۸۹) هم چنین دعای ابراهیم علیه السلام در مورد «تقاضای بینش عمیق» حاکی از اهمیت رشد شناختی می‌باشد «رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا...» (شعراء، ۸۳).



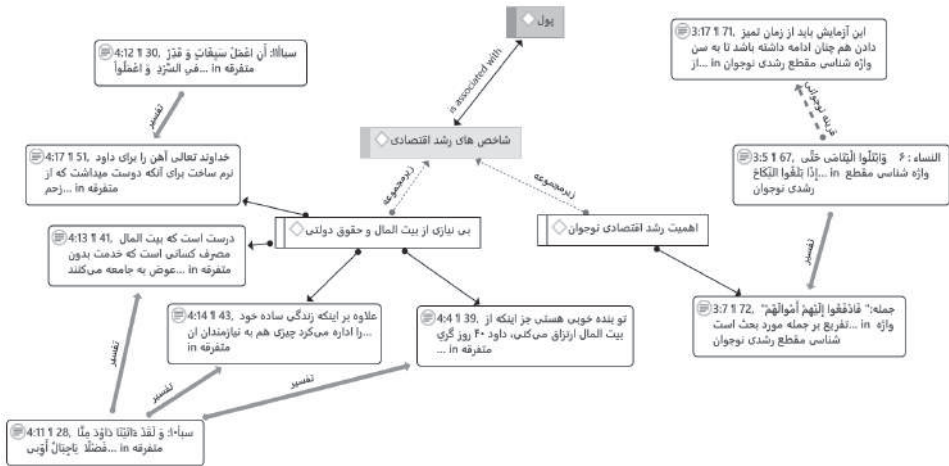
نمودار ۳: کدهای اولیه تشکیل دهنده مقوله «رشد شناختی و تحصیلی» نوجوان در قرآن

شاخص «آزاداندیشی»، از مواجهه حضرت ابراهیم علیه السلام با آزر و قومش به روشنی دریافت می شود: «(به خاطر بیاورید) هنگامی را که ابراهیم به پدرش (عمویش) «آزر» گفت: آیا بت هایی را معبودان خود انتخاب می کنی؟! من، تو و قوم تو را در گمراهی آشکاری می بینم؛ وَاذْ قَالَ اِبْرَاهِيمُ لِاَبِيهِ اَزَّرُ اَنْتَ تَخْتَدُ اَصْنَامًا اَلِهَةً اِنِّي اُرَاكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (انعام، ۷۴). با این که بت پرستی و شرک در جامعه آن روز رایج و غالب بود، ولی ابراهیم علیه السلام تحت تأثیر جو حاکم قرار نداشت و آزاداندیشانه حرف حق را می زد.

شاخص های رشد اقتصادی

یکی از احکام فقهی نوجوانان، به دست آوردن اختیار اموال شان در صورت «رشد فکر اقتصادی» می باشد؛ «وَابْتَئُوا الْيَتَامَى حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا

اِسْرَافًا وَبِدَارًا اَنْ يَكْبُرُوا وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيْرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوْفِ فَاِذَا دَفَعْتُمْ اِلَيْهِمْ اَمْوَالَهُمْ فَاَشْهَدُوْا عَلَيْهِمْ وَكَفَىٰ بِاللهِ حَسِيْبًا؛ (نساء، ۶)؛ و یتیمان را بی‌آزمایید تا وقتی به [سن] زناشویی برسند. پس اگر در آن‌ها رشد [فکری] یافتید، اموال‌شان را به آنان رد کنید و آن‌را [از بیم آن‌که مبادا] بزرگ شوند، به اسراف و شتاب مخورید. و آن‌کس که توانگر است باید [از گرفتن اجرت سرپرستی] خودداری ورزد؛ و هرکس تهیدست است باید مطابق عرف [از آن] بخورد. پس هرگاه اموال‌شان را به آنان رد کردید، بر ایشان گواه بگیرید، خداوند حسابرسی را کافی است.»



نمودار ۴: بسط روابط میان آیات، قرینه نوجوانی و گزاره‌های تفسیری تشکیل دهنده کدهای اولیه مقوله «رشد اقتصادی» نوجوان در قرآن

از آیات مربوط به حضرت داوود علیه السلام می‌توان برداشت کرد که از نگاه قرآن کریم، «بی‌نیازی از بیت‌المال و حقوق دولتی» امری ممدوح می‌باشد. در حدیثی آمده است که خداوند به داوود علیه السلام وحی فرستاد: «تو بنده خوبی هستی، جز این‌که از بیت‌المال ارتزاق می‌کنی! داوود علیه السلام ۴۰ روز گریه کرد (و از خدا راه حلی خواست) خداوند آهن را برای او نرم کرد، زره می‌ساخت... و به این وسیله از بیت‌المال بی‌نیاز شد؛ نِعْمَ الْعَبْدُ أَنْتَ إِلَّا أَنْتَ تَأْكُلُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ فَبَكَى دَاوُدُ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فَلَانَ اللهُ لَهُ الْحَدِيدَ وَكَانَ يَعْمَلُ كُلَّ يَوْمٍ دِرْعًا... فَاسْتَغْنَى عَنِ بَيْتِ الْمَالِ» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۹۷).

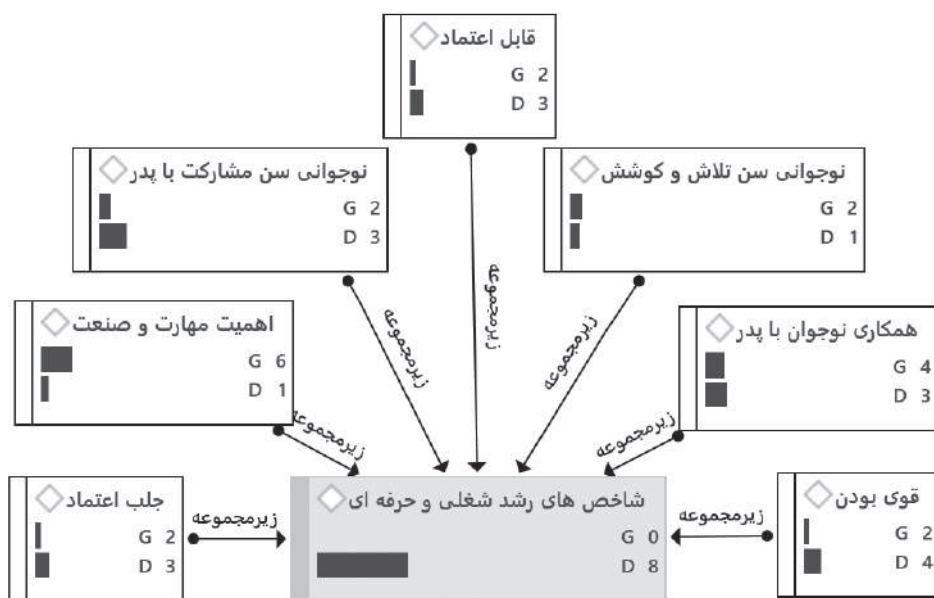
هرچند بیت‌المال، مصرف کسانی است که به جامعه خدمت می‌کنند و بارهای زمین‌مانده مهم را برمی‌دارند، ولی چه بهتر که انسان بتواند در عین انجام این خدمت، از دسترنج خود - در



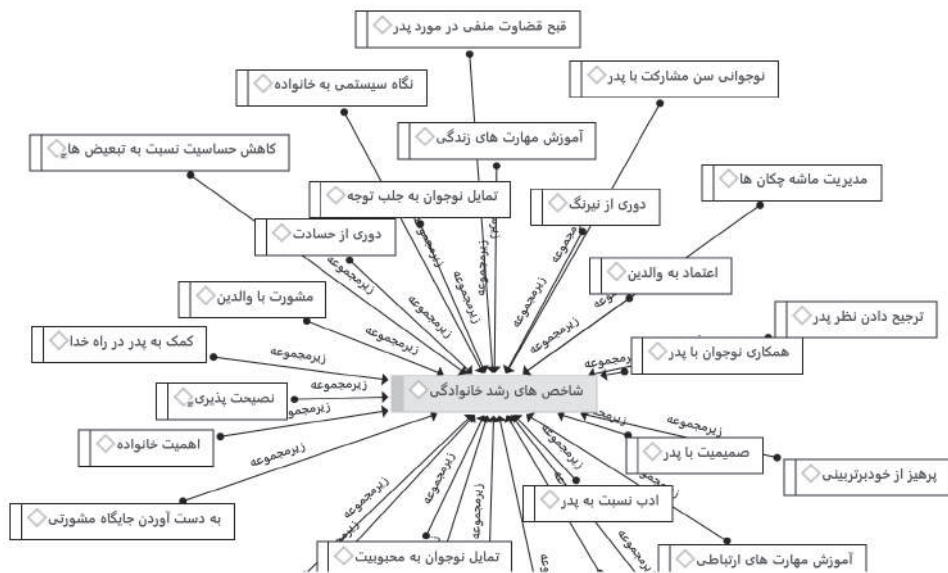
صورت توانایی - امرار معاش نماید. حضرت داوود علیه السلام می خواست چنین بنده ممتازی باشد. ایشان طبق بعضی از روایات، علاوه بر این که زندگی ساده خود را اداره می کرد، چیزی هم به نیازمندان انفاق می نمود (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۱۸، ص ۳۰).

شاخص های رشد شغلی و حرفه ای

در آیه ۱۰۲ سوره صافات، نوجوانی «سن تلاش و کوشش» معرفی شده است: «فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيُ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمُرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ» (صافات، ۱۰۲) و این مسأله اهمیت رشد شغلی و حرفه ای را نشان می دهد: «فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيُ» (هنگامی که با او به مقام سعی و کوشش رسید) یعنی به مرحله ای رسید که می توانست در مسائل مختلف زندگی همراه پدر تلاش و کوشش کند و او را یاری دهد (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۱۹، ص ۱۱۲). منظور از حد سعی و کوشش، رسیدن به اندازه ای از عمر است که آدمی طبیعتاً می تواند برای برطرف کردن نیازهای زندگی خود کوشش کند و این همان سن بلوغ است (طباطبایی، ۱۴۰۲، ج ۱۷، ص ۱۵۲).



نمودار ۵: کدهای اولیه تشکیل دهنده مقوله «رشد شغلی و حرفه ای» نوجوان در قرآن



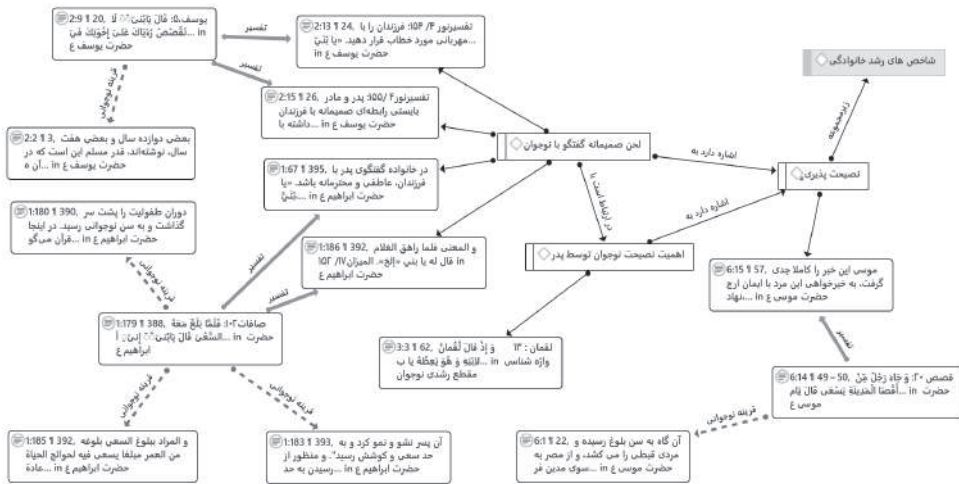
نمودار ۶: کدهای اولیه تشکیل دهنده مقوله «رشد خانوادگی» نوجوان در قرآن

شاخص‌های رشد خانوادگی

«خداوند هنگامی که ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام را با وسایل گوناگونی آزمود و آن حضرت به خوبی از عهده این آزمایش‌ها برآمد، به او فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم». ابراهیم عرض کرد: «از دودمان من (نیز امامانی قرار بده)». خداوند فرمود: «پیمان من، به ستمکاران نمی‌رسد! (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقام‌اند)؛ وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره، ۱۲۴). این آیه نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه خانواده و اولاد، در نگاه قرآنی می‌باشد. در آیه ۱۰۲ سوره صافات «اهمیت مشورت خواهی از نوجوان» به خوبی قابل استفاده است: «هنگامی که با او به مقام سعی و کوشش رسید، گفت: پسرم! من در خواب دیدم که تو را ذبح می‌کنم، نظر تو چیست؟ گفت: پدرم! هرچه دستور داری اجرا کن، به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت؛ فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ



قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ» (صافات، ۱۰۲) در «فَانظُرْ مَاذَا تَرَى»، کلمه «تری» به معنای «می بینی» نیست، بلکه از ماده «رأى» به معنای اعتقاد است، یعنی چه نظر می دهی؟ در واقع به فرزندش می فرماید: درباره سرنوشتت فکر کن، تصمیم بگیر و نظرت را بگو (طباطبایی، ۱۴۰۲، ج ۱۷، ص ۱۵۲).



نمودار ۷: نمونه بسط روابط میان آیات، قرائن نوجوانی و گزاره‌های تفسیری تشکیل دهنده کد «نصیحت پذیری» از زیرمجموعه‌های مقوله «رشد خانوادگی» نوجوان در قرآن

از نصیحت پذیری موسی عَلَيْهِ السَّلَام در سن نوجوانی؛ «وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدْيَنَةِ يُسَعِي قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَائِكَةَ يُاتِمُّونَ بِكَ لِيُقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ (۲۰) فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ...» (قصص، ۲۱)، پندهای متعدد جناب لقمان به پسرش؛ «وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان، ۱۳)، توصیه‌های حضرت یعقوب عَلَيْهِ السَّلَام به پسر نوجوانش یوسف عَلَيْهِ السَّلَام؛ «قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُءْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ» (یوسف، ۵)، و لحن صمیمانه گفت وگویی حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام با پسر نوجوانش اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام؛ «فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ» (صافات، ۱۰۲) و پذیرش حرف پدر از طرف او، به اهمیت راهنمایی و نصیحت نوجوان پی می‌بریم. از آن جا که نصیحت مستلزم وجود شنونده می‌باشد، می‌توان گفت یکی از شاخص‌های مربوط به خانواده والدین، «نصیحت پذیری نوجوان» است.

شاخص‌های رشد ارتباطی

در این قسمت، آیات مربوط به دوست‌یابی و نوع تعامل نوجوان با گروه دوستانش، مورد اشاره و بررسی قرار می‌گیرد. از دعای حضرت ابراهیم علیه السلام در آیه ۸۳ سوره شعراء اهمیت «ارتباط با دوست سالم» استفاده می‌شود: «رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِفْنِي بِالصَّالِحِينَ». از آن‌جا که سیاق آیات قبلی، به گفت‌وگوی ابراهیم علیه السلام با قومش برمی‌گردد که مربوط به نوجوانی آن حضرت می‌باشد، می‌توان دریافت که درخواست ابراهیم علیه السلام از خدای متعال در مورد همنشینی با افراد خوب و صالح نیز، در مقطع نوجوانی ایشان بوده است. این دعا نشان می‌دهد که حتی حکمت نیز با وجود دوستان نااهل، کارایی ندارد (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۳۳۱).

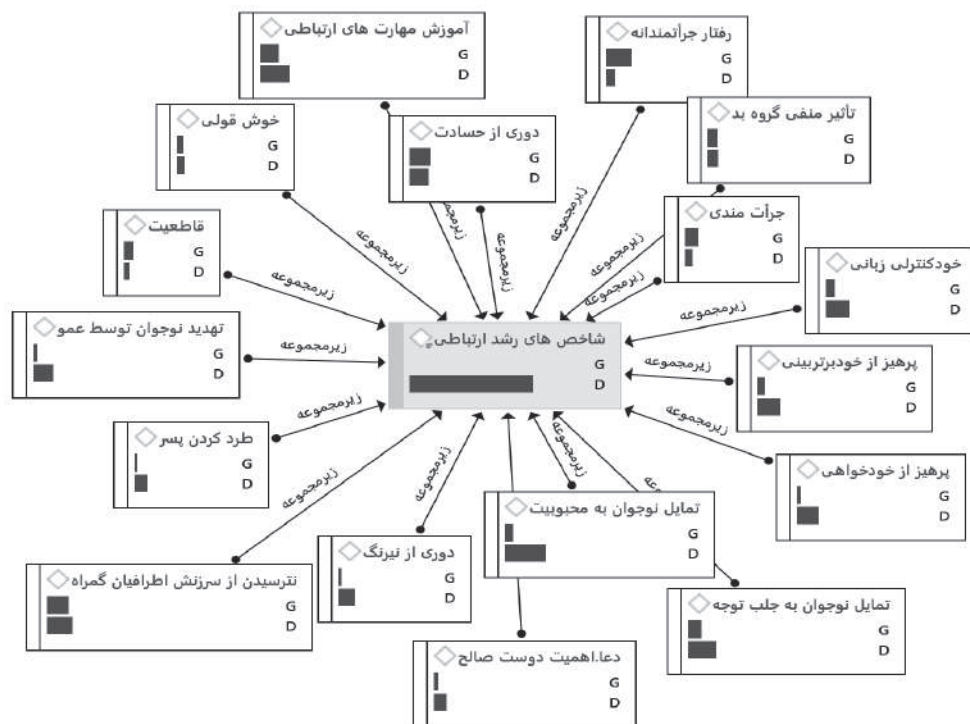
یکی دیگر از مهارت‌هایی که نوجوان در تعامل با دیگران مخصوصاً فامیل و دوستان به آن نیاز دارد، جرأت‌مندی و قاطعیت در گفتار می‌باشد. «آن هنگام که به پدرش (عمویش آزر) و قوم او گفت: این مجسمه‌های بی‌روح چیست که شما همواره آن‌ها را پرستش می‌کنید؟؛ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ» (انبیاء، ۵۲) تعبیر «لابیه» (پدرش) اشاره به عمویش آزر است زیرا عرب، گاه به عمو «اب» می‌گوید (مکارم، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۱۷۴)؛ سپس با قاطعیت موضع خود را در مقابل آن‌ها روشن می‌کند و می‌گوید: «من از آن چه شما می‌پرستید، بیزارم. مگر آن کسی که مرا آفریده، که او هدایت‌م خواهد کرد؛ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِمَّا تَعْبُدُونَ (۲۶) إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (زخرف، ۲۷). ابراهیم علیه السلام رسماً اعلام کرد که من بت‌های شما را دشمن می‌دانم و به زودی آن‌ها را نابود خواهم کرد و نقشه الهی خویش را نیز عملی کرد؛ «وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ (۵۷) فَجَعَلَهُمْ جُدَادًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ» (انبیاء، ۵۸). این داستان نشان می‌دهد که جرأت‌مندی، نباید صرفاً به گفتار محدود شود.

شاخصه بعدی در ارتباط نوجوان با دیگران، «نترسیدن از سرزنش اطرافیان گمراه» است. نوجوان رشید و هویت‌یافته، در مسیر حق و درست، نباید با کسی تعارف داشته باشد. ابراهیم علیه السلام طبق بعضی از روایات، در آن موقع کاملاً جوان و احتمالاً ۱۶ ساله بود؛ بعد از این‌که او بت‌ها را شکست، گفتند: جوانی که به او ابراهیم می‌گویند، چنین می‌گفت؛ قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ» (انبیاء، ۶۰)؛ ... یعنی فردی کاملاً گمنام و از نظر آنان ناشناس بود (مکارم، ۱۳۸۲، ج ۱۳، ص ۴۳۷).

بایسته ارتباطی دیگر، خوش‌قولی است. وفای به عهد تأثیر بسیار زیادی در غنای ارتباطی نوجوان با دیگران خواهد داشت. داشتن روحیه خوش‌قولی تا جایی اهمیت دارد که ابراهیم علیه السلام حتی به قول و قرار با عموی کافر خود نیز پای بند ماند. «استغفار ابراهیم برای پدرش [عمویش آزر]، فقط به خاطر



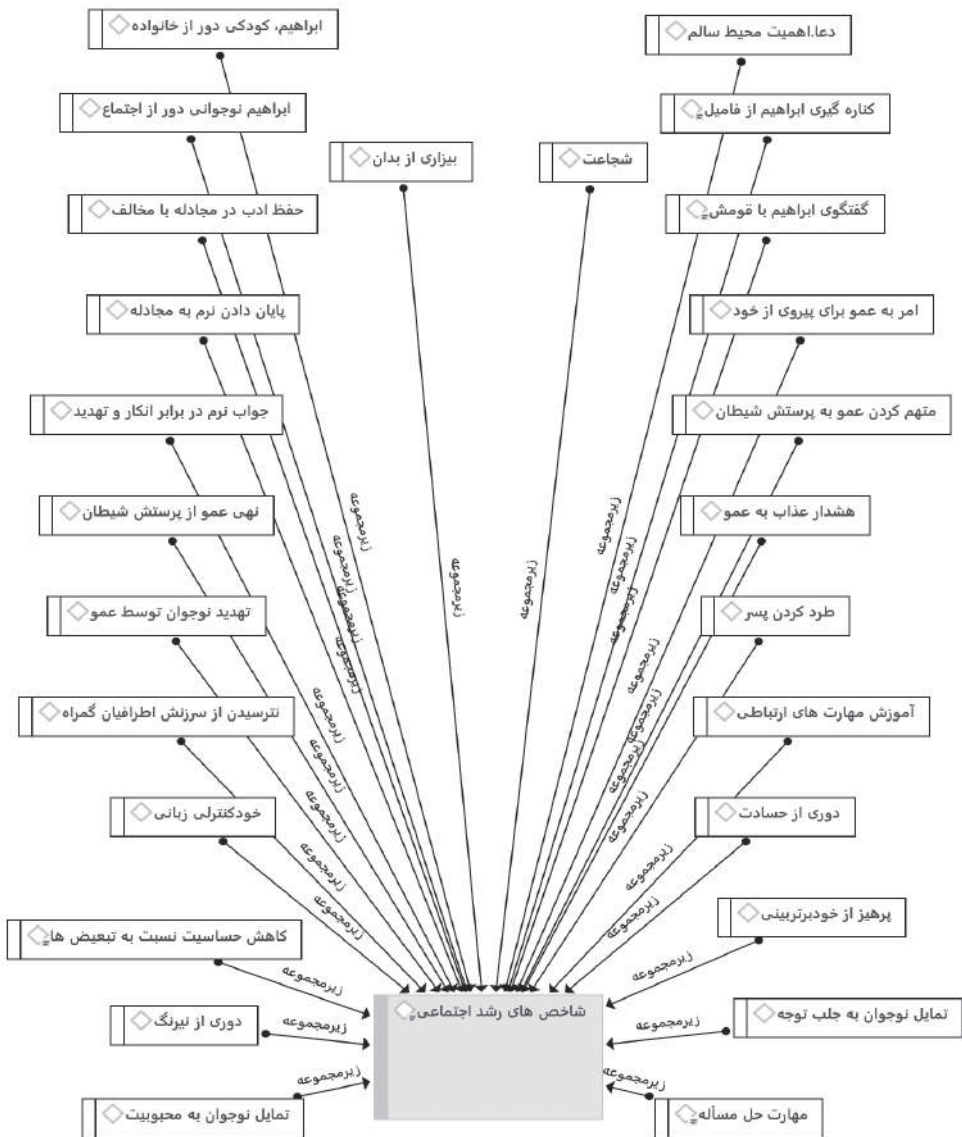
وعده‌ای بود که به او داده بود (تا وی را به سوی ایمان جذب کند)؛ اما هنگامی که برای او روشن شد وی دشمن خداست، از او بی‌زاری جست؛ به یقین، ابراهیم مهربان و بردبار بود؛ وَ مَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَّهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ (توبه، ۱۱۴).



نمودار ۸: کدهای اولیه تشکیل‌دهنده مقوله «رشد ارتباطی» نوجوان در قرآن

شاخص‌های رشد اجتماعی

رشد اجتماعی در ارتباط با محیط زندگی انسان در نظر گرفته می‌شود. معمولاً انسان تا حدود زیادی در انتخاب و چینش محیط خویش، مختار است. نوجوان رشدیافته، اهمیت زیادی برای طراحی محیط اجتماعی اطراف خود قائل است. ابراهیم نبی عَلَيْهِ السَّلَام در دعاهای خویش در سن نوجوانی، از خداوند می‌خواهد او را در جامعه‌ای صالح و در مجاورت افرادی نیکوکار قرار دهد. ایشان از خداوند می‌خواهد: «پروردگارا! به من علم و دانش ببخش، و مرا به صالحان ملحق کن؛ رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ» (شعراء، ۸۳). این دعا بیانگر «اهمیت محیط اجتماعی سالم» است.



نمودار ۹: کدهای اولیه تشکیل دهنده مقوله «رشد اجتماعی»

ابراهیم ع در ابتدای زندگی، از ترس نمرود پنهان شد و در دوره نوجوانی خود را آشکار ساخت (فعال عراقی، ۱۳۸۳) ایشان در برابر بت پرستی حاکم در آن محیط به شدت موضع گرفت و با جدیتی فراوان تلاش کرد تا با اصلاحات فکری و اجتماعی، محیط زندگی خود را از لوث کفر و بت پرستی پاک گرداند (طباطبایی، ۱۴۰۲ق، ج ۷، ص ۲۲۲). آن حضرت در مواجهه با محیط زندگی خود ابتدا تلاش کرد



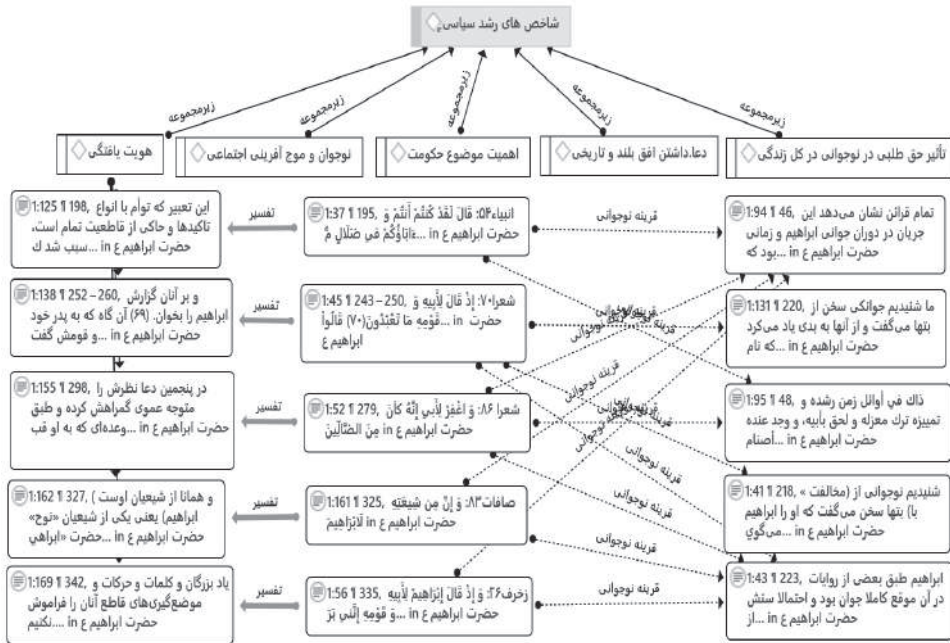
با منطقی و استدلال، اطرافیان و مردم بت پرست را نسبت به عملکرد اشتباه شان آگاه سازد؛ «إِذْ قَالَ لِأَيِّبِهِ وَ قَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ؛ (انبیاء، ۵۲) هنگامی که به پدر (عمو) و قومش گفت: «چه چیز را می پرستید؟!»، گفتند: «بت هایی را می پرستیم، و همه روز در عبادت آن ها ثابت قدم هستیم.» گفت: «آیا هنگامی که آن ها را می خوانید، صدای شما را می شنوند؟! یا سود و زیانی به شما می رسانند؟! إِذْ قَالَ لِأَيِّبِهِ وَ قَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ (۷۰) قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَنْظِلُ لَهَا عَكْفِينَ (۷۱) قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ (۷۲) أَوْ يَنفَعُونَكُمْ أَوْ يُضُرُّونَ» (شعراء، ۷۳).

ابراهیم علیه السلام بعد از این احتجاجات منطقی و قاطعانه، وقتی دید آن ها در برابر سخن حق تسلیم نمی شوند، با «شجاعتی بی نظیر»، تلاش کرد عوامل فساد و بت پرستی را از جامعه و محیط زندگی خود پاک کرده و به صورت عملی به آن ها نشان دهد که کاری از دست این معبودان پوشالی ساخته نیست. بنابراین به آن ها گفت: «به خدا سوگند! در غیاب شما، نقشه ای برای نابودی بت های تان می کشم!؛ وَ تَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ» (انبیاء، ۵۷) «سرانجام (با استفاده از يك فرصت مناسب)، همه آن ها (جز بت بزرگشان) را قطعه قطعه کرد؛ شاید سراغ او بیایند (و او حقایق را بازگو کند) «فَجَعَلَهُمْ جُذَاذًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ» (انبیاء، ۵۸).

اقدام دیگر ابراهیم علیه السلام تصمیم به کناره گیری و «دوری از محیط آلوده» بود: «و از شما و آن چه غیر خدا می خوانید، کناره گیری می کنم و پروردگارم را می خوانم و امیدوارم در خواندن پروردگارم بی پاسخ نمانم؛ وَأَعْتَزُّكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا» (مریم، ۴۸).

شاخص های رشد سیاسی

منظور از رشد سیاسی در این بحث، رشد نگاه و بصیرت نوجوان نسبت به رابطه حاکمیت و جامعه است. حق حاکمیت، صرفاً در اختیار خداوند متعال می باشد و هیچ معبود و حاکمی غیر از خالق حکیم هستی و اولیاء او، سزاوار هدایت گری جامعه نیستند. در داستان حضرت ابراهیم علیه السلام می بینیم که آن حضرت با صراحت تمام از بت پرستان حاکم در جامعه آن روز بیزاری و برائت جسته و در این مورد هیچ گونه ملاحظه سیاسی نشان نمی دهد تا جایی که حتی آزر عموی خود را نیز در زمره گمراهان و تابعان شیطان می شمارد. می گوید: «من از آن چه شما می پرستید بیزارم. مگر آن کسی که مرا آفریده، که او هدایتم خواهد کرد؛ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ إِنِّي بَرَاءٌ لِمَا تَعْبُدُونَ (۲۶) إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (زخرف، ۲۷).



نمودار ۱۰: کدهای تشکیل دهنده مقوله «رشد سیاسی» نوجوان در قرآن به همراه بسط روابط بین آیات، قرائن

نوجوانی و گزاره‌های تفسیری تشکیل دهنده کد «هویت یافتگی سیاسی» نوجوان

داشتن روحیه حق طلبی، تأثیر مهمی در کل زندگی انسان برجای می‌گذارد. همان‌طور که در داستان ابراهیم ع مشاهده می‌کنیم حق طلبی و روحیه انقلابی آن حضرت در نوجوانی، نقش تعیین‌کننده‌ای در روند رشد ایشان برجای گذاشت. خدای متعال می‌فرماید: «ما وسیله رشد ابراهیم را از قبل به او دادیم و از (شایستگی) او آگاه بودیم. آن هنگام که به پدرش (عمویش آزر) و قوم او گفت: این مجسمه‌های بی‌روح چیست که شما همواره آن‌ها را پرستش می‌کنید؟! و لَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ (۵۱) إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلَ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ» (انبیاء، ۵۲).

شاخص‌های رشد عاطفی و جنسی

رشد عاطفی و جنسی مربوط به مقوله عشق و ازدواج است. قرآن کریم از تعبیر «بلوغ نکاح» برای رسیدن نوجوان به توانایی جنسی ازدواج استفاده کرده و می‌فرماید: «و یتیمان را چون به حد بلوغ برسند، بی‌آزمایید! اگر در آن‌ها رشد (کافی) یافتید، اموال‌شان را به آن‌ها بدهید؛



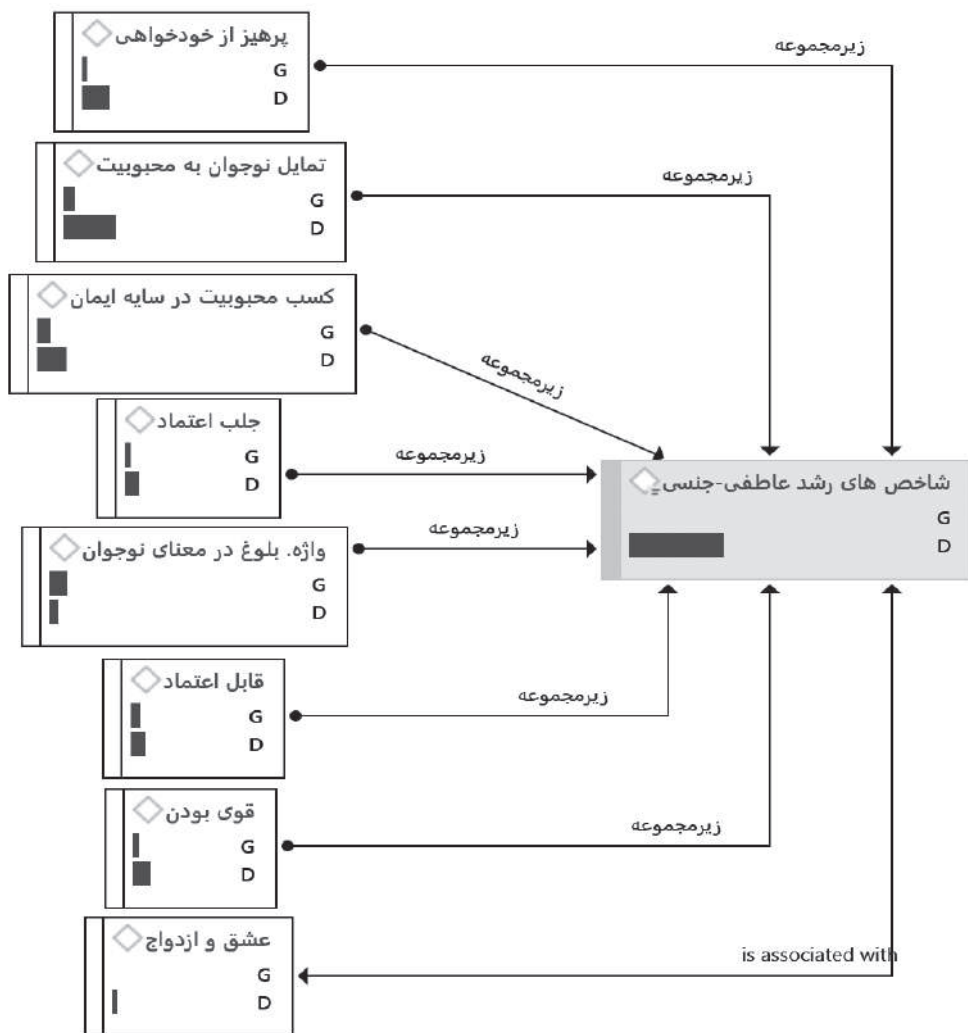
وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ» (نساء، ۶). حضرت موسی علیه السلام برای نجات فردی که مورد ظلم واقع شده بود، یکی از قبطیان مصر را کشت و در حال فرار به سمت مدین، در محلی، با دختران حضرت شعیب علیه السلام آشنا شد. موسی علیه السلام در آن زمان در سن بلوغ و ازدواج بوده است (فعال عراقی، ۱۳۸۳، ج ۲). در این حکایت، چهره یک زن پاک دامن، عفیف، متین و باشرم و حیا در هاله‌ای از تقدس به نمایش گذاشته شده است؛ نمونه‌ای زیبا و جالب از برخورد دو جنس مخالف، بدون درهم شکستن حریم حیا. داستانی که بر اساس یک ساختار هندسی طرح‌ریزی شده و از این طریق می‌خواهد اندیشه‌ها و پیام‌های خود را مطرح سازد تا نمونه و الگویی باشد برای برخوردهای اجتماعی زن و مرد در تمام جوامع بشری و در همه عصرها و نسل‌ها (همان).

دختران شعیب علیه السلام به عنوانی دختران نوجوانی که به صورت غیرمستقیم در قرآن مورد مدح قرار گرفته‌اند، در عین حفظ حیا و عفت، در هنگام لزوم، حضور اجتماعی خود را نیز حفظ نموده‌اند و در عین حال، زیرکی خاصی را برای جذب پسری «قوی» و «امین» چون حضرت موسی علیه السلام به کار می‌گیرند.

در این حکایت قرآنی، رفتار و گفتار حضرت شعیب علیه السلام نیز شاخص‌هایی را برای هدایت مسأله جنسی به دست می‌دهد. اول این‌که او مسأله «ازدواج آسان» را به نیکویی اجرا می‌کند؛ دوم، به اهمیت ارتباط «ازدواج و اشتغال» به خوبی اشاره می‌نماید.

بنابراین، آنچه موجب تمام این خیرات برای حضرت موسی علیه السلام شد، مسأله «قابل اعتماد» بودن و «قوی» بودن ایشان بود. قوی بودن، در این جا به معنای آمادگی جسمی، مهارتی و ایمانی برای کشیدن بار مسئولیت یک زندگی است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۴۵۸). قرآن کریم از زبان دختر شعیب علیه السلام می‌فرماید:

«ای پدر! این جوان را استخدام کن، زیرا بهترین کسی که می‌توانی استخدام کنی، فردی است که قوی و امین باشد او، هم امتحان نیرومندی خود را داده، هم پاکی و درست‌کاری را؛ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (قصص، ۲۶).



نمودار ۱۱: کدهای اولیه تشکیل دهنده مقوله «رشد عاطفی-جنسی» نوجوان در قرآن

شاخص های رشد خلقی و هیجانی

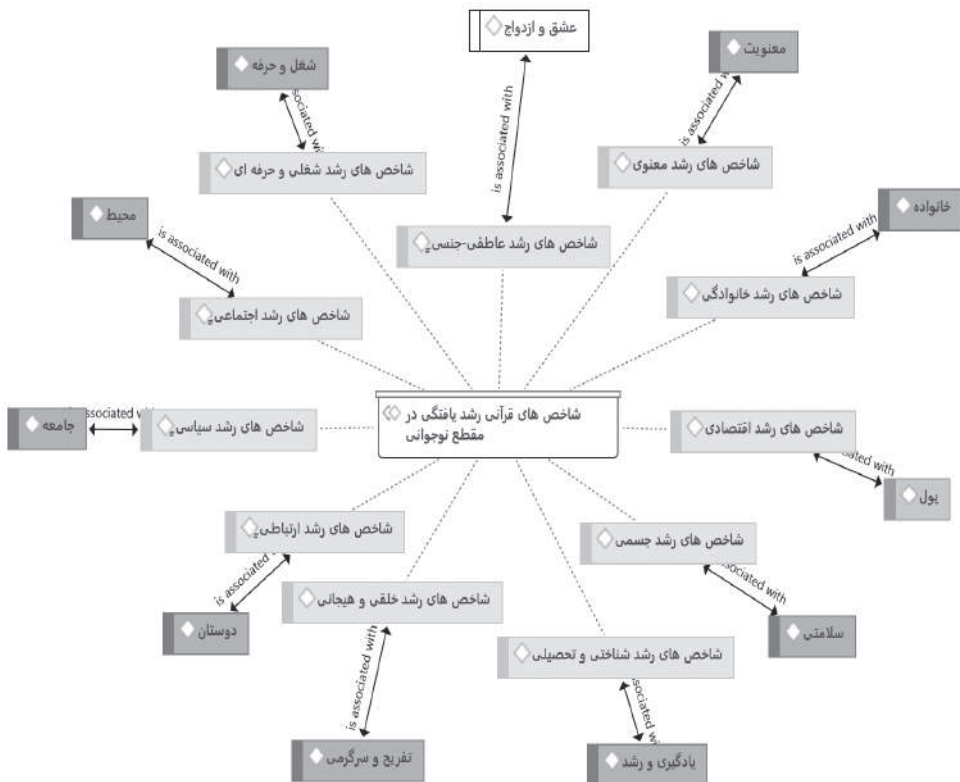
منظور از رشد خلقی و هیجانی در این نوشتار، اموری در مقوله تفریح و سرگرمی و پرداختن به هیجانات سالم است که موجب نشاط و انگیزش و خوش خلقی می شود و ضمن ارتقاء حسن خلق، از افسردگی و پرخاشگری در نوجوان جلوگیری کرده و نیاز هیجان خواهی او را تأمین می نماید. حسن خلق و روحیه بانشاط، با صفت خودکنترلی و صبر در تعامل است. یکی از شاخص های



نوجوان را، حفظ و محافظت سلامت و قوت دانست تا با به کارگیری نیروی جوانی، از دوران میانی عمر خود که مرحله بهره برداری و توشه گیری از حیات دنیوی است، جهت رشد و تعالی بهره مند شود.

نتیجه گیری

با بررسی آیات کریمه قرآن در مورد داستان پیامبران بزرگ الهی و مراحل مختلف رشد انسان، می توان به یازده شاخص کلی برای رشد در دوران نوجوانی دست یافت که هرکدام به نوبه خود به زیرشاخه هایی تقسیم می شوند. این یازده شناسه، عبارت اند از شاخص های رشد: معنوی، شناختی و تحصیلی، اقتصادی، شغلی و حرفه ای، خانوادگی، ارتباطی، اجتماعی، سیاسی، عاطفی-جنسی، خُلقی و هیجانی، جسمی. در صورتی که این شاخص ها، به مثابه یک میزان قرآنی و درعین حال قابل اندازه گیری، ملاک و مبنای جهت گیری رشدی نوجوان و اولیای تربیتی او قرار بگیرد، می تواند تا حدود زیادی راه و روش زندگی مطلوب را مشخص نموده و کمک شایانی به تدوین «سبک زندگی اسلامی و قرآنی» نماید.



نمودار ۱۴: شاخص های قرآنی رشد یافتگی در مقطع نوجوانی

منابع

* قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۰۳ق)، معانی الاخبار، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۲. آفاکل زاده، فردوس و غیاثیان م. (۱۳۹۶ش)، رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی. فصلنامه زبان و زبان شناسی، ۳۹-۵۴.
۳. بهرام پور، شعبان علی، (۱۳۷۸ش)، درآمدی بر تحلیل گفتمان، گفتمان و تحلیل گفتمانی، به اهتمام تاجیک، محمدرضا، تهران، فرهنگ گفتمان.
۴. الثعالی، اَبی منصور عبدالملک بن محمد بن اسماعیل، (۱۴۱۴ق)، فقه اللغة، دارالکتب العلمیة، بیروت، لبنان.
۵. خسروی حسینی، غلامرضا، (۱۳۶۹ش)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن، مرتضوی، ایران، تهران.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۴۱۲ق)، مفردات الفاظ قرآن، دارالشامیه، لبنان، بیروت.
۷. سلطانی، سیدعلی اصغر، (۱۳۸۴الف)، قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر نی.
۸. سلطانی، سیدعلی اصغر، (۱۳۸۴ب)، تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲۸.
۹. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۰۲ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، لبنان.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، تهران، ایران.
۱۱. عابدینی، یاسمین، (۱۳۸۳ش)، مروری بر مبانی فلسفی، ویژگی‌ها و روش‌های پژوهش کیفی، مجله روان شناسی و علوم تربیتی، سال ۳۵، شماره ۲.
۱۲. فرکلاف، نورمن، (۱۳۹۸ش)، تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه: شایسته پیران، فاطمه و دیگران، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
۱۳. فعال عراقی، حسین، (۱۳۸۳ش)، داستان‌های قرآن و تاریخ انبیاء در المیزان، ج ۱ و ۲، نشر سبحان، تهران.
۱۴. الفیومی المقری، احمد بن محمد بن علی، (۱۴۲۵ق)، المصباح‌المنیر فی غریب الشرح‌الکبیر، المكتبة العصرية، صیدا، بیروت.
۱۵. قرائتی، محسن، (۱۳۸۸ش)، تفسیر نور، مرکز فرهنگ‌ی درس‌هایی از قرآن، ایران، تهران.
۱۶. قرشی بنایی، علی اکبر، (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیة، تهران.
۱۷. کاویانی، محمد، (۱۳۹۹ش)، روان شناسی در قرآن مفاهیم و آموزه‌ها، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ایران، قم.
۱۸. کلانتری، صمد و همکاران، (۱۳۸۸ش)، تحلیل گفتمان: با تأکید بر گفتمان انتقادی، به عنوان روش تحقیق کیفی، مجله جامعه‌شناسی، شماره ۴.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۲ش)، روضه الکافی، ج ۸، کتابفروشی اسلامیة، تهران.
۲۰. لطفی حقیقت، امیر، (۱۳۸۷ش)، مطالعه توصیفی گفتمان‌های فرهنگ منبعث از انقلاب اسلامی (پایان نامه)، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۲۱. لطفی، عباس، (۱۳۹۰ش)، تجزیه و تحلیل منظوره‌های ضمنی در قرآن مجید بر اساس اصل همکاری گرایس. پایان نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی دانشگاه تهران.



۲۲. محسنی، محمد جواد، (۱۳۹۱ش)، «جستاری در نظریه و روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف»، مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره سوم، تابستان، ص ۸۶-۶۳.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه، جمعی از نویسندگان، دارالکتب الإسلامیة، ایران، تهران.
۲۴. میردهقان، مهین ناز و همکاران (۱۳۹۲ش)، تحلیل گفتمان قدرت در قرآن کریم، دومین همایش ملی اعجاز قرآن.
۲۵. میرفخرائی، تژا، (۱۳۸۳ش)، فرآیند تحلیل گفتمان. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۲۶. ون دایک، ت. (۱۳۹۲ش)، مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی، گروه مترجمان، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۲۷. رابرت هنری، (۱۳۷۳ش)، تاریخ مختصر زبان‌شناسی، نشر مرکز، کتاب ماد.

1. Howard. G. S. (1985) The Role of Valuus in the scince of Psycology. American psycology. 40 Analysing Qualitive data in Psycology. Edit. Lyons.evanthia and coyle. Adran. (2007) sages publication.
2. Macleod. j (2001). Qualitative Reaserch in p sycology. London. Thousand oaks. NewDehlhi. Sage Norman fairelough. language and power. logman .new york.1991.
3. Wortham, S. (2007). Education 645: Methods of Discourse Analysis.